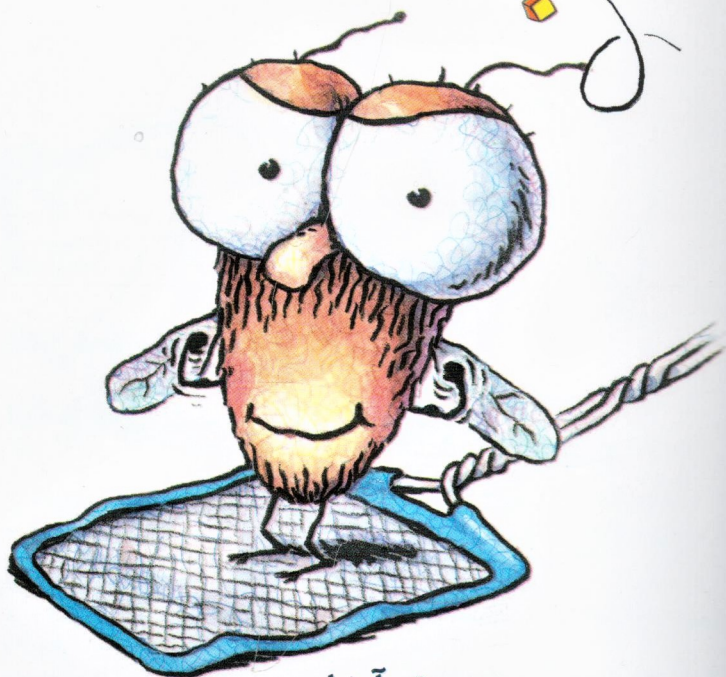




سَر مگس

من رو دبه
جنگا مگس گش!



تد آرنولد

مترجم: مریم فیاضی

پسری بود که توی خانه مگس نگه می داشت.
اسمش را گذاشته بود سَرمگس.
سَرمگس بلد بود اسم پسر را بگوید:

ویزرزا!

